

تبیین دلالت‌های انطباق مراتب سلوک معنوی انسان بر مراتب معنوی قرآن و معصوم علیه السلام در حوزه سبک زندگی معنوی

سید محمد فاطمی*

ابوذر رجبی**

محمدجواد فلاح***

چکیده

رسیدن انسان به کمال مستلزم داشتن سبک زندگی وسیع معنوی از مبدأ (استعداد انسان) تا مقصد (قرب بیشتر الهی) است. این پژوهش در تلاش است ضمن تحلیل مراتب معنوی قرآن و امام معصوم به مثابه مبانی سبک زندگی معنوی - اسلامی، تبیینی از دلالت‌های این مبنا در حوزه سبک زندگی معنوی داشته باشد. به این منظور ابتدا آیات و روایات مرتبط گزینش شده‌اند، سپس با روش توصیفی - تحلیلی، انطباق سبک زندگی معنوی انسان بر مراتب معنوی قرآن و امام معصوم و دلالت‌های رفتاری آن تبیین شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، قرآن و مقام امامت دارای مراتب بی‌شمار معنوی در مراتب هستی‌اند که از اسم اعظم و اسمای حسناى الهی و عرش و کرسی گرفته تا مراتب عوالم برزخ و قیامت و مقام محمود و حوض کوثر و مراتب بهشت را فرا می‌گیرد و هر دو برای هدایت و ایصال به مطلوب هستند. از دلالت‌های رفتاری این مبنا نیز می‌توان به مراقبه فعال، راهبری مستمر قرآن و معصوم، تنوع سلوکی و اتحاد برنامه زندگی با قانون کائناتی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی معنوی، سلوک معنوی، مراتب قرآن و معصوم، دلالت‌های انطباق

*دانش‌آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی، قم (نویسنده مسئول)
Fatemi1259@gmail.com

Rajabi@Maaref.ac.ir

** دانشیار گروه مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی، قم

Fallah@Maaref.ac.ir

*** دانشیار گروه اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

مقدمه

سبک زندگی یا نحوه زیستن مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار برای رسیدن به هدف است که از بینش‌ها و ارزش‌های آدمیان تأثیر می‌پذیرد و در رفتار به صورت عینی و در متن زندگی متجلی می‌شود. سبک زندگی چیزی جز رفتارهای الگومند و نسبتاً پایدار نیست. سبک زندگی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری است که تمام حیات بشر را در بر می‌گیرد. متناسب با این تعریف، سبک زندگی از بینش‌ها و ارزش‌های انسان‌ها تأثیر می‌پذیرد و شامل رفتارهای درون جوش و درون‌زا است (ر.ک: فعالی، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

عالم دنیا ظرف حرکت و تغییر تدریجی است، یعنی خروج تدریجی از قوه و توان به سوی فعلیت‌ها (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۱۹۸-۲۰۲، ۳۲۲). روایات دنیا را در حال شدن و رسیدن و تحول دائمی معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۵/۸؛ شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱). انسان نیز، در مقام جزئی از این عالم و مبتنی بر همین حکم، جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء است (ملاصدرا، بی تا: ۳۴۷/۸) و سیر و مسیری قهری دارد که سبک زندگی او را رقم می‌زند.

به دلیل ویژگی‌های خاص انسان، از جمله قوه عاقله و اختیار، سیر و مسیرش در عالم حرکت می‌تواند به گونه‌های مختلف رقم بخورد. از طرف دیگر، خصوصیات و استعداد‌های انسانی موجب شده که خداوند برای انسان طریق هدایت خاص، یعنی وحی و نبوت، را قرار دهد تا انسان بتواند با عقل و اختیار خود در مسیر صحیح فعلیت یافتن قرار بگیرد و به تعبیر قرآن، با استجاب دعوت خدا و رسول و با ایمان و عمل صالح به حیات ویژه و طیب دست یابد (انفال: ۲۴؛ نحل: ۹۷). دسترسی به این حیات طیب همان سیر و سلوک و سبک زندگی معنوی انسان نامیده می‌شود که البته این نوع حیات، حیات واقعی دارای کمالاتی خاص غیر از حیات مشترک بین انسان و دیگر موجودات زنده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۴۱/۱۲). این نوشتار به دنبال پاسخ به این سؤال است که بین انسان در مسیر سلوک و سبک زندگی معنوی خود با مراتب معنوی قرآن و امام معصوم علیه السلام چه ارتباطی وجود دارد و این دو چگونه با یکدیگر انطباق می‌یابند. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای، مراتب معنوی قرآن و امام معصوم علیه السلام و اتحاد سیر باطنی انسان با آن مراتب را مطرح کرده تا مبنای مهمی از مبانی سبک زندگی معنوی انسان برای گام نهادن به معنویت صحیح را تبیین کند.

با بررسی‌های انجام شده، اثری که مستقیم درباره این مسئله باشد یافت نشد؛ اما آثار

متعددی با بحث این تحقیق ارتباط پیدا می‌کنند که می‌توان به این موارد اشاره کرد. ابن عربی در فصوص الحکم، از کتاب‌های مهم در عرفان نظری، مباحث ناظر به انسان کامل و ویژگی‌های او را آورده است. خواجه عبدالله انصاری در منازل السائرین به مراتب سیر و سلوک معنوی انسان اشاره دارد. علامه طباطبایی در رسائل الانسان قبل الدنيا و فی الدنيا و بعد الدنيا نوعی انسان‌شناسی عقلی - نقلی را مطرح و در آن به سیر صعودی و هدایت معنوی انسان توجه کرده است.

مقاله «آفرینش انسان از هبوط جسم تا صعود روح در اندیشه صدرالتألهین» نوشته محسن فکوری و همکاران مباحث انسان‌شناسی از منظر صدرا را آورده است. مقاله «بررسی تطبیقی ذومراتب بودن آدمیان از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه و غزالی» نوشته محمد منصورنژاد، ذومراتب بودن انسان‌ها از منظر امام را در سه حیطه جسم و عقل و دل بیان می‌کند. مقاله «هدایت باطنی و معنوی امام و مسئله امامت در اندیشه علامه طباطبایی و تفسیر المیزان» نوشته علی کربلایی پازوکی، ولایت معنوی را عالی‌ترین مقام ولایت امام می‌داند. مراد از ولایت معنوی نیز نوعی تسلط معنوی است که با پیمودن مراتب صراط مستقیم عبودیت و رسیدن به مقام قرب به اذن الهی برای امام حاصل می‌شود.

علی‌رغم نگاه‌های فاخر در مباحث ناظر به معنویت دینی، تحقیق مستقلی ناظر به مسئله پژوهش حاضر صورت نگرفته است؛ به همین جهت وجه تمایز اساسی این کار با نگارش‌های صورت‌گرفته توجه به مراتب معنوی قرآن و امام معصوم علیه السلام و تلازم تناظر معنویت انسان با مراتب معنوی قرآن و امام معصوم به مثابه مبنای سبک زندگی معنوی قرآنی است.

(۱) مفهوم‌شناسی سبک زندگی

متفکران داخلی و خارجی اتفاق نظر کاملی در مورد مفهوم سبک زندگی ندارند، اما مسلم است که سبک زندگی مفهومی با گستره وسیع است. در منابع معانی مختلفی برای واژه ترکیبی «life style» یا همان سبک زندگی بیان شده است. از منظر برخی، سبک زندگی رفتار و منش نیست، بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی (زندگی) را هدایت می‌کند و به واسطه خوی‌ها و منش فردی شکل می‌گیرد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۱۹)؛ از این رو با مشاهده سبک زندگی فردی انسان می‌توان انعکاسی از هدف‌داری تجربیات انسانی و رفتاری (زندگی) وی را فهمید. ماکس وبر سبک زندگی را عبارت از روش‌هایی می‌داند که طبقات و گروه‌های هم‌رتبه از نوعی زندگی پدید می‌آورند و شامل الگوهای

فرهنگی رفتار و مجموعه‌ای از باورها است. سبک زندگی روشی از نگاه به زندگی است که تجربیات اجتماعی ویژه خود و روابطش را با دیگر گروه‌های اجتماعی بیان می‌کند. سبک زندگی معرف قشر اجتماعی است، نه معادل آن، از جنس رفتار است، تمایلات آن را هدایت و فرصت‌های زندگی بستر بروز آن را فراهم می‌کند (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۶).

یکی از افراد مهمی که در مورد سبک زندگی بحث کرده دیوید چنی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه دورهام، است که کتاب مهمی با عنوان Lifestyles دارد. او رسیدن به تعریف کامل از سبک زندگی را دشوار می‌داند؛ از این رو در کتاب خود سعی کرده است با توصیف وضعیت جهان مدرن، فهم بهتری از سبک زندگی به دست دهد. وی این مشخصات را برای این مفهوم در نظر گرفته است: ۱. سبک زندگی از لوازم جهان جدید (مدرنیته) است؛ ۲. کسانی که در جوامع مدرن زندگی می‌کنند، برای توصیف کنش‌های خود و دیگران از مفهوم سبک زندگی استفاده می‌کنند؛ ۳. سبک‌های زندگی الگوهایی برای کنش هستند که مردم را از هم متمایز می‌کنند؛ ۴. سبک‌های زندگی مجموعه اعمال و نگرش‌هایی هستند که در متن و زمینه‌های خاص قابل درک می‌شوند؛ ۵. نظریه‌های سبک زندگی حول محور مصرف و کالا ارائه می‌شوند؛ زیرا سبک زندگی راه الگومند مصرف، درک یا ارج نهادن به محصولات فرهنگ مادی است (چنی، ۱۳۸۲: ۳).

در تعریفی با نگرش دینی، سبک زندگی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار برای رسیدن به هدف است که از بینش‌های دینی و ارزش‌های الهی متأثر است و به صورت عینی و در متن زندگی تجلی می‌یابد (فعالی، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

در این نوشتار منظور از سبک زندگی معنوی نوعی زیستن است که همه باورها و حالات و افعال درونی و بیرونی را در بر می‌گیرد و رویکرد و جهت اصلی و نهایی آن توجه و سیر و صعود در مراتب معنوی و باطنی (غیر مادی) هستی و اتحاد و انطباق با آن مراتب است. این سبک از زیستن لوازم متعددی در ساحت‌های مختلف وجودی انسان - اعم از باورها و حالات و ارزش‌ها و افعال درونی و بیرونی و فردی و اجتماعی - دارد، به گونه‌ای که تمام این ساحت‌ها رنگ باطنی و معنوی به خود می‌گیرند.

الف) سبک زندگی معنوی

فارغ از برخی جزئیات، برداشت ما از سبک زندگی معنوی معادل سیر و سلوک معنوی در ادبیات دینی است. «سیر» در لغت به معنای حرکت کردن و رفتن (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۲۰/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۳۲/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۴) و «سلوک» به معنای

داخل شدن در مسیر و راه است (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۲۸۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۹۷). در این بحث، منظور از سیر و سلوک معنوی این است که انسان وارد در مسیر باطنی و غیر مادی شود و در آن راه پیماید.

برای اثبات این مسیر معنوی می‌توان از آیات فراوانی استفاده کرد. در موارد متعددی کلیدواژه «رجوع به سوی خدا» با مشتقات مختلف برای انسان به کار رفته است (بقره: ۲۸، ۴۶؛ انعام: ۳۶، ۶۰، ۱۶۴). همچنین کلیدواژه‌های «صیر» (بقره: ۲۸۵؛ آل عمران: ۲۸)، «سوق» (قیامت: ۳۰)، «کادح» (انشقاق: ۶)، «لقاء» (انعام: ۳۱، ۱۵۴؛ کهف: ۱۱۰) و «حشر» (بقره: ۲۰۳؛ آل عمران: ۱۵۸) از این مواردند.

از دیگر اصطلاحات دینی که می‌توان در این بحث به آن توجه کرد، بحث «صراط مستقیم» و «سبیل‌های الهی» است. واژه «صراط مستقیم» همیشه به صورت مفرد به کار رفته، ولی واژه «سبیل» به صورت جمع هم آمده است. از کاربردهای این دو واژه در قرآن و آثاری که بر آنها مترتب شده است می‌توان فهمید که در متن هستی مسیر و مسیرهایی واقعی وجود دارد که به مبدأ عالم ختم می‌شوند و دارای مراتب‌اند. از انسان نیز خواسته شده که هدایت و قرار گرفتن در این مسیر را از خدا بطلبد و با بندگی و جهاد و نهایت تلاش و ایمان در این مسیر و مسیرها قرار گیرد تا هدایت و ایصال به مطلوب و خروج از ظلمات و همراهی با انبیا و صدیقان و شهدا شامل او شود (حمد: ۶؛ بقره: ۱۴۲، ۲۱۳؛ آل عمران: ۵۱، ۱۰۱؛ نساء: ۶۹، ۱۷۵؛ مائده: ۱۶؛ انعام: ۱۵۳، ۱۲۶؛ عنکبوت: ۶۹؛ ابراهیم: ۱؛ یس: ۶۱؛ ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۲۱-۳۵).

در تمام موارد، خبر از نسبتی بین دو واقعیت انسان و خدا به میان آمده که نشان می‌دهد این رابطه واقعی و دارای آثار واقعی است. آنچه در همه موارد اشتراک دارد، سیر به سوی خدا است و با توجه به اینکه خدا موجودی غیرمادی و کامل مطلق و دارای تمام اسما به صورت احسن است (اعراف: ۱۸۰)، سیر به سوی او سیری باطنی و صعودی و تکاملی است؛ بنابراین بین انسان و خدا مسیری واقعی و صعودی و غیرمادی وجود دارد که هر انسانی به صورت قهری و تکوینی در این مسیر قرار می‌گیرد. با این حال باید تذکر داد که چون انسان دارای اختیار و قدرت انتخاب و درک و شعور عقلانی است، کیفیت سیرش می‌تواند متفاوت باشد و به لقای رحمت خاص الهی و بهشت و مراتب آن برسد یا به غضب الهی و جهنم (انشقاق: ۶-۱۴).

ب) مراتب معنوی قرآن

شکی نیست که قرآن دارای مرتبه‌ای مادی و محسوس به حس ظاهر است؛ زیرا قرآن دارای الفاظی است که هم وجود لفظی و مسموع به سمع ظاهر دارند و وجود کتبی محسوس به بصر ظاهر. قرآن مراتب غیر مادی و معنوی بی‌نهایتی نیز دارد. یکی از ویژگی‌های مهم قرآن که به فهم مراتب معنوی آن کمک می‌کند این است که قرآن امری نازل شده است (بقره: ۴ و ۱۸۵؛ آل عمران: ۳، ۴، ۷؛ قدر: ۱). نزول در لغت به معنای از بالا به پایین آمدن است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۶۷/۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۴۱۷/۵). این پایین آمدن مقید به مادی و محسوس بودن نیست و شامل هبوط غیرمادی هم می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸۷/۱۲). بنابراین نزول قرآن یعنی قرآن واقعی است که از مقام‌هایی بلند، پایین آمده است. در ادامه به برخی از آن مقام‌ها اشاره می‌شود:

۱. با توجه به ادله متعدد نقلی و عقلی، مراتب هستی بعد از مرتبه غیب الغیوب ذات الهی که نه معروف و نه مقصود و نه معبود کسی است، در مرتبه اسمای الهی، از نزدیک‌ترین و محیط‌ترین اسم شروع شده و نزول کرده است و چپ‌نش خاصی دارد (شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۴/۱؛ طباطبایی، ۱۹۹۹: ۲۳، ۱۰۱-۱۰۴). از ادله متعدد ظاهر می‌شود که قرآن از آن مرتبه نازل شده و بنابراین دارای مقام اسمای الهی است. آیات متعددی در قرآن بیان‌کننده نزول قرآن از مرتبه اسمای حسنی الهی هستند، از جمله «الله لا اله الا هو الحی القیوم» (آل عمران: ۱-۳)، «رب العالمین» (واقعه: ۸۰)، «الرحمن الرحیم» (فصلت: ۲)، «العزیز العلیم» (غافر: ۲)، «الله العزیز الحکیم» (شوری: ۳)، «حکیم حمید» (فصلت: ۴۱)، «علی حکیم» (زخرف: ۱-۴) و «الرحمن» (الرحمن: ۱).

۲. از جمله مقامات معنوی و والای قرآن مقام لوح محفوظ است (بروج: ۲۱-۲۲). محفوظ بودن از هر تغییری از ویژگی‌های این مقام است؛ زیرا محفوظ بودن این لوح به صورت مطلق آمده و چنین مقامی ظرف برای قرآن بیان شده است. مقام دیگر «أم الكتاب» است (زخرف: ۳-۴) که مقامی «عنداللهی» (رعد: ۳۹) است و با توجه به اصل قرآنی «ما عندالله باقی» (نحل: ۹۶) نوعی ثبات و تغیرناپذیری دارد و بنابراین فاقد وجود مادی و محسوس و متغیر است. «کتاب مکنون» مقام باطنی دیگر قرآن به شمار می‌رود که شرط تماس و ارتباط با آن، تطهیر مطلق است (واقعه: ۷۷-۷۸).

ج) مراتب معنوی معصوم ص

با توجه به ادله عقلی و نقلی قرآنی، به خصوص روایی، اسمای الهی واقعیت‌هایی

هستند که در عالم خلق اثر دارند. این اسما واقعیتهایی متعین و متأخر از ذات اطلاقی حق تعالی هستند که عالم و نظامی مخصوص به خود دارند. نکته مهم این است که مبتنی بر آیات و روایات، خدا احتیاجی به اسم برای خودش ندارد، ولی اسمایی برای خود اختیار کرد تا مخلوقات را به سوی او داشته باشند؛ بدون اسم راهی برای صعود و ارتباط با خدا نیست (اعراف: ۱۸۰؛ غافر: ۶۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۲/۱؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۱۹۰؛ طباطبایی، ۱۴۲۸ ب: ۲۷، ۳۴، ۴۷؛ ر.ک: همان: ۴۷-۷۴؛ ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۲۳۴/۳-۲۵۰).

با توجه به ادله نقلی متعدد، ائمه معصوم علیهم‌السلام مقام اسما را، که بالاترین مقام در تجلیات هستی است، دارند، مثلاً در برخی روایات آمده که امام علیه‌السلام به اسم جلاله قسم خورد که ما اسمای حسناى الهی هستیم (عیاشی، ۱۳۸۰: ۴۲/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۴/۱). در تعینات هستی مرتبه‌ای بالاتر از مقام اسمای الهی وجود ندارد و اولین واسطه‌های فیض هستی و ظهورات الهی اسمای او هستند. نکته دیگر اینکه این اسما متصف به «حسن» شده‌اند، یعنی هیچ شائبه نقصی در آنها نیست.

همچنین در برخی روایت بیان شده که لوح و قلم و عرش و کرسی از نور محمدی و علوی علیهم‌السلام خلق شده‌اند (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۱۷۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۵۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱/۲۵-۲۲). در برخی از روایات نیز آمده که نور اهل بیت علیهم‌السلام آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته و نور ایشان همان نور الله در آسمان‌ها و زمین است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۴/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶/۲۵-۱۷ و ۳۲۰/۲۶).

در مورد عوالم پس از مرگ نیز باید گفت که مقام امامت در تمام مراتب آن عوالم، از لحظه احتضار و مرگ، حضور زنده و فعال دارد (قمی، ۱۴۰۴: ۲۶۵/۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۲۵/۲). یکی از جایگاه‌های قیامت مقام کوثر است. این واقیعت اخروی از مقام‌های اختصاصی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و عترت ایشان در کنار این نهر جمع‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳۰/۸؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷/۸-۲۷). مقام دیگر مقام محمود، یعنی مقام شفاعت مطلق، است (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۱۴/۲؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۲۶۱؛ طباطبایی، ۱۹۹۹: ۲۸۲؛ همو، ۱۴۲۸ الف: ۱۶۷). از ویژگی‌های مهم بهشت درخت طوبا است که خدا خودش آن را کاشته است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۸/۸، ۱۴۳). ریشه و اصل آن در خانه و جایگاه بهشتی پیامبر و علی علیه‌السلام است و شاخه‌هایش در خانه دیگر بهشتیان؛ دیگران نیز در زیر سایه آن هستند (کوفی، ۱۴۱۰: ۲۰۹-۲۱۰). طبق روایات، هر کس در دنیا به شاخه‌ای از این درخت متصل شود، او را به بهشت می‌کشاند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۶/۸). از آنجا که اصل این درخت در

جایگاه ولایت است، هر کس به نحوی با ولایت مرتبط باشد به بهشت راه می‌یابد. از همان روایت برمی‌آید که هر کار خیری شعبه و شاخه‌ای از شاخه‌های درخت طوبی است که از خانه ولایت رشد کرده است. در نتیجه ولایت اصل هر خیری است؛ چنانکه در روایات به آن تصریح شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۲/۸؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۲۲).

۱۲) انطباق سلوک معنوی انسان در سبک زندگی بر مراتب معنوی قرآن و معصوم علیه السلام

با توجه به اینکه قرآن مراتب معنوی دارد و برای هدایت انسان به هر دو معنای ارائه طریق و ایصال به مطلوب نازل شده است، انسان با قبول هدایت و ارائه طریق قرآن، به هدایت به معنای ایصال به مطلوب قرآن می‌رسد و سیر معنوی صعودی در مراتب معنوی قرآن شروع می‌شود و تا هر جا بخواهد، قرآن او را بالا می‌برد.

در برخی از روایات آمده که درجات بهشت بر اساس آیات قرآن هستند و به افراد گفته می‌شود: «اقرأ و ارق». شخص می‌تواند به اندازه‌ای که قرآن بخواند در بهشت صعود کند (قمی، ۱۴۰۴: ۲۶۰/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۶۰۶/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۸/۷). در حقیقت صعود در مراتب بهشت که سیری در عوالم معنوی و بواطن هستی است، سیر در مراتب حقیقت قرآن است (ر.ک: محمدتقی مجلسی، ۱۴۰۶: ۵۳۷/۵؛ حسن زاده آملی، ۱۳۸۳: ۱۹۵).

خدا از انسان‌ها خواسته که به ریسمان آویزان الهی چنگ بزنند (آل عمران: ۱۰۳). قرآن حبل الهی معرفی شده و این ریسمان آویزان الهی از طرف خدا تا در دسترس بودن انسان تنزل یافته و یک واحد متصل دارای مراتب است (حر عاملی، ۱۴۲۵: ۱۹۹/۲). اعتصام به حبل الهی نتیجه‌ای جز بالا رفتن انسان ندارد و علت امر به انسان برای چنگ زدن به این ریسمان همین است. از طرفی، چون ریسمان الهی دارای مراتب است، بالا رفتن از آن نیز مراتب دارد. روشن است که این صعود، مادی و محسوس نیست؛ چون چنین ریسمانی تنزل از ماورای ماده و از طرف خدا داشته است.

یکی از امور ضروری در دین اسلام، مسئله شفاعت است (بقره: ۲۵۵؛ مریم: ۸۷؛ بقره: ۱۳۷۱: ۱۸۴/۱؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۵۰۰/۲). با توجه به معنای لغوی و موارد کاربرد شفاعت در عرف و قرآن و روایت، در آن نوعی سببیت و واسطه‌گری محقق می‌شود که با این کار دو چیز به هم ضمیمه و ملحق می‌شوند و شفیع برخی کمبودهای شفاعت‌شونده را جبران می‌کند (فیومی، ۱۴۱۴: ۳۱۷/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۵۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸۲/۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵۷/۱-۱۶۰)؛ بنابراین در شفاعت اخروی،

شفاعت شده به مقام شفیع ملحق و ضمیمه می‌شود و با شفاعت و واسطه‌گری شفیع در آخرت، شفاعت شده ارتقای وجودی می‌یابد و نقص‌هایش جبران می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۲۸ الف: ۱۶۱-۱۶۳).

قرآن کریم یکی از شفیعیان مهم قیامت است که شفاعتش پذیرفته می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۹۹/۲). بنابراین قرآن در سلسله واسطه‌ها و اسباب صعود معنوی و نجات انسان قرار می‌گیرد. انسانی که شفاعت قرآن شاملش شود، ارتقا و صعود می‌یابد و به درجه شفیعش می‌رسد و به آن ملحق می‌شود، البته با حفظ مراتب؛ چون قرآن دارای مراتب بی‌نهایت است و شفاعت شده به مقداری که بتواند شفاعت آن را کسب کند، ارتقا می‌یابد.

در مورد انطباق سلوک معنوی با مراتب معصوم نیز در نگاه دینی، صراط مستقیم راهی واقعی و معنوی در مسیر عروج و صعود است که هر کس در این راه قرار گیرد، به نعمت خاص الهی می‌رسد و وارد مسیر تکامل می‌شود. با توجه به روایات متعدد، امام معصوم علیه السلام همان صراط مستقیم (البته به صورت حصر) است (قمی، ۱۴۰۴: ۲۸/۱، ۶۶ و ۲۸۶/۲؛ صفار، ۱۴۰۴: ۷۸/۱؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۱۹۳، ۳۹۶؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱۷/۱، ۴۳۳؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۲۸۸؛ همو، ۱۴۰۳: ۳۵). به عبارت دیگر، امام معصوم علیه السلام حائز تمام مراتب معنوی صعودی است که شامل همه مراتب معنوی نبی اکرم صلی الله علیه و آله، تا مقام «آو آدنی» می‌شود؛ زیرا مقام امامت با تمام مراتب معنوی محمدی صلی الله علیه و آله انطباق و اتحاد دارد (نعمانی: ۱۳۹۷: ۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶/۲۶، ۱۶) و این همان حقیقت «صراط مستقیم» است. از یک سو با توجه به آیه ۱۰۵ سوره مائده که مسئله هدایت و ضلالت را برای انسان مطرح کرده و فرموده انسان باید ملازم خودش باشد تا هدایت شود و به ضلالت نیفتد، استظهار می‌شود که آیه درصدد مشخص کردن راه هدایت است و از سویی دیگر از انسان خواسته شده که برای هدایت شدن (ایصال به مطلوب) ملازم خود باشد؛ این بیان می‌رساند که خود انسان راه هدایت و رسیدن به مقصد است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۲/۵-۱۶۵). در نتیجه راه به سوی خدا یا همان صراط مستقیم از باطن انسان شروع می‌شود و مسیری بیرون از حقیقت و نفس انسانی ندارد. با توجه به مطالب فوق، سیر تکاملی و معنوی انسان که از خودش و در خودش شروع می‌شود و صراط مستقیم انسان است با مقامات امام معصوم علیه السلام، که حقیقت این مسیر است، انطباق و اتحاد دارد.

۳) دلالت‌های مبنای انطباق در سبک زندگی معنوی

در این بخش برخی از دلالت‌های مبنای انطباق سلوک معنوی انسان با مراتب قرآن و امام معصوم، در حوزه سبک زندگی معنوی تحلیل می‌گردد.

الف) مراقبه فعال نه منفعل

این انگاره که مراتب سلوک معنوی قرآن و معصوم با مراتب معنوی انسان سالک متحد است، به این معنا است که این دو می‌توانند در تمام فرایند زندگی انسان حضور تام داشته باشند^۱ و این مسئله موجب می‌شود که سالک که می‌خواهد بر اساس برنامه زندگی قرآن و معصوم حرکت کند، مراقبت از خویش داشته باشد و با این مراقبه متوجه مراتب باطنی قرآن و امام شود. البته از آنجا اسلام، دین و برنامه‌ای اجتماعی است و همان‌طور که از آیات قرآن و سیره معصوم برمی‌آید (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۶/۴)، این مراقبت در اوج مشارکت اجتماع و حضور در جمع‌های انسانی است، نه به دور از آن (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۸: ۵۰/۱).

ب) راهبری مستمر قرآن و معصوم علیه السلام در زیست معنوی انسان

خداوند هدایت به صورت ایصال به مطلوب را از طریق قرآن فراهم کرده است و انسان با این هدایت قرآن سیر معنوی می‌کند؛ این سیر در بواطن و مراتب معنوی قرآن است. در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره مائده^۲ آمده که خداوند قرآن را، که نور است، فرستاده تا کسانی را که به دنبال رضوان و رضایت الهی هستند به سوی راه‌های سلامت و صراط مستقیم هدایت کند و از ظلمت‌ها به سوی نور بیاورد. با توجه به اینکه این هدایت و آثار آن به عده‌ای خاص با ویژگی «در پی رضوان الهی بودن» اختصاص می‌یابد، این نحوه هدایت به شکل ارائه طریق نیست؛ چون ارائه طریق در قرآن برای همه مردم است (بقره: ۱۸۵). بنابراین در اینجا ایصال به مطلوب منظور است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۴۵/۵).

پیش‌تر ثابت شد که راه تکامل و معنوی انسان از خودش و در خودش است؛ از خود ناقص به خود کامل (تا کمال معنا پیدا کند). حال که قرآن (باذن الله) می‌خواهد انسان را در این مسیر راهبری و ایصال کند، خودش باید مسیری داشته باشد که انسان را به کمال برساند؛ بنابراین این مسیر باید واقعی و تکوینی باشد. به عبارت دیگر، تا مسیری نباشد

۱. ثبوتاً و واقعاً حاضرند ولی انسان می‌تواند غافل باشد یا نباشد که مراقبه یعنی عدم غفلت.
 ۲. قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (مائده: ۱۵-۱۶).

ایصال به مطلوب معنا نمی‌دهد. از طرفی نیز مسیر در این بحث مسیری باطنی و غیرمادی است. با توجه به آیات مذکور، در این مسیر قرآن موصل (رساننده) است. حال با توجه به آیاتی که می‌فرمایند، قرآن انسان را به صراط مستقیم و راه‌های سلامت - که با هم به نحوی اتحاد دارند و صراط مستقیم مهیمن و متحد با همه سبیل‌های الهی است (همان: ۳۲/۱-۳۳) - هدایت و ایصال می‌کند و از تاریکی‌ها خارج می‌کند، معلوم می‌شود که سخن از مسیری واقعی و تکاملی و دارای مراتب است. بر این اساس، هدایت قرآن به این گونه است که انسان را از درون خودش به این مسیر می‌کشاند و این مسیر معنوی تکاملی دارای مراتب، در بطن و مراتب خود قرآن است؛ چون اولاً پیش‌تر با ادله مختلف ثابت شد که قرآن مراتب معنوی دارد، ثانیاً ثابت شد که خودش هدایت و ایصال به مطلوب می‌کند و ثالثاً علتی که می‌خواهد ایصال به مطلوب کند، نمی‌تواند فاقد باشد، وگرنه معطی نیست و اگر معطی باشد از خودش و به سمت خودش و در خودش اعطا می‌کند، چراکه در اینجا واسطه در تکامل است که نوعی هستی بخشی به شمار می‌رود. این مطلب را برخی روایات تأیید می‌کنند؛ از جمله اینکه سوره‌هایی از قرآن در قیامت برای شخص متمثل و متجسد می‌شوند و به آن شخص می‌گویند که اگر مرا فراموش نکرده بودی،^۱ تو را به درجه خود می‌رسانم (برقی، ۱۳۷۱: ۹۶/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۶۰۷/۲-۶۰۹). از این روایات برمی‌آید که قرآن هم واسطه و معطی مراتب است و هم در مراتب خودش سیر می‌دهد.

این هدایت به نحو ایصال با تمام توضیحات در مورد امام معصوم هم صادق است و با توجه به اینکه هیچ زمانی و لحظه‌ای نیست که حضور معنوی امام معصوم در آن نباشد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۲/۱-۲۷۳)، راهبری قرآن و امام معصوم برای همه انسان‌ها در تمام لحظات مستمر است و انسان در تمام لحظات زندگی می‌تواند از این رهبری کمال استفاده را ببرد.

ج) تنوع سلوکی

ذیل بحث وجود و چیستی مسیر معنوی در مورد «صراط مستقیم» بیان و مشخص شد که صراط مستقیم راهی واقعی و معنوی در مسیر عروج و صعود است که هر کس در این راه قرار گیرد، از نعمت خاص الهی بهره‌مند و وارد مسیر تکامل خویش می‌شود. در اینجا بیان می‌شود که با توجه به روایات متعدد، امام معصوم علیه السلام همان صراط مستقیم است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱۷/۱ و ۴۳۳/۴؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۱۹۳، ۳۹۶؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۳۲-۳۵).

۱. البته با توجه به قواعد عالم قیامت و مضمون روایات، منظور فراموش کردن ظاهری و ذهنی و مفهومی نیست.

همچنین پیش تر گفته شد که صراط مستقیم از باطن و درون خود انسان شروع می شود و مسیری بیرون از حقیقت و نفس انسانی ندارد. با توجه به مطالب فوق، سیر تکاملی و معنوی انسان که از خودش و در خودش شروع می شود و صراط مستقیم انسان است، با مقامات امام معصوم علیه السلام که حقیقت این مسیر است، انطباق و اتحاد دارد.

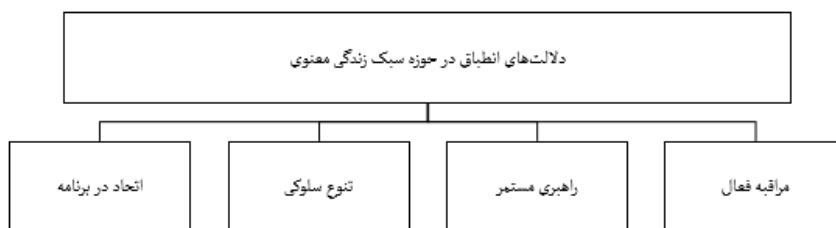
نکته دیگر درباره رابطه صراط مستقیم و سبیل های الهی اینکه صراط مهیمن و متحد با همه سبیل ها است و به نحوی وحدتی ساری در کثرات سبیل ها دارد و هر سبیلی شأن و ظهور و مرتبه ای از صراط واحد و مستقیم است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۲/۱-۳۵). با توجه با این نکته دو مطلب فهمیده می شود: الف) در روایات در مورد ائمه علیهم السلام تعبیر «سبیل» هم به کار رفته است (صفار، ۱۴۰۴: ۶۳/۱). این مطلب با کثرت سبیل منافات ندارد؛ ب) ارتباط معنوی با مقام امام علیه السلام در متن صراط مستقیم از طریق همین سبیل ها است. در تأیید این مطلب روایاتی است که شیعیان را سبیل های خودشان معرفی کرده اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴/۲۱). توضیح اینکه انسان در هر سبیلی از سبیل های الهی قرار بگیرد، در متن صراط مستقیم قرار می گیرد که واقعیتش مقام ولایت و امامت است؛ البته با حفظ مراتب و شدت و ضعف. در نتیجه سلوک معنوی انسان بسته به تعداد اعمال جوانحی و جوارحی خیری که انجام می دهد، تنوع دارد و انسان در هر کار خیری که وارد شود، وارد نوع و مرتبه ای از سلوک معنوی خود شده است و همه زندگی اش معنوی می شود.

د) اتحاد برنامه زندگی الهی با قوانین کائنات (اتحاد تشریح و تکوین)

گفته شد که از برخی ادله به دست می آید که مسیر باطنی انسان، خود باطن انسان است، یعنی مسیری از خود و در خود انسان. مثلاً در برخی از آیات قرآن آمده که بنده خدا باشید که همین بندگی «صراط مستقیم» است (آل عمران: ۵۱؛ مریم: ۳۶؛ یس: ۶۱). همان طور که بیان شد، صراط مستقیم مسیری واقعی و باطنی است. این راه همان بنده بودن است؛ زیرا به انسان که تکویناً عبد خدا است، دستور می دهد بنده خدا باشد؛ یعنی خودش باشد که همین صراط مستقیم است. در این صورت، تشریح انسان با تکوینش همسان می شود؛ چراکه ممکن است تکوین انسان با تشریحش منطبق نباشد و انسان خود را مستقل و بی نیاز پندارد و طغیان کند (علق: ۶-۷). تنها راه این تطبیق، تبعیت از تشریح و دین الهی است که قرآن و امام مظهر آن هستند.

همچنین بیان شد که امام و قرآن دارای تمام مراتب نزولی و صعودی عالم هستی

و تکوین هستند و در تمام مراتب حضور دارند. از این مطلب می‌توان استفاده کرد که انسان در سبک زندگی معنوی خود باید بداند که اولاً برنامه رسیدن به بالاترین درجات معنوی اش (تشریح و دین الهی) مطابق با ساختار وجودی و تکوین او است؛ ثانیاً تنها راه تطبیق زندگی با تکوین فقط دین و تشریح الهی است، نه چیز دیگر (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۴/۲ و ۲۹۹/۸) و ثالثاً این مطلب انسان را به بالاترین مرتبه امیدواری و روشنندلی می‌رساند که خدا برنامه زندگی و سعادتش را مطابق با تکوین ارائه داده و همه هستی را برای سیر معنوی اش آماده کرده است. انسان در هر جای عالم و زندگی خود و در هر حالی باشد می‌تواند از طریق برنامه و تشریح الهی با مراتب معنوی قرآن و امام معصوم مرتبط، بلکه متحد شود و در باطن هستی سیر کند.



نتیجه

از یک سو قرآن که به صورت تجلی، نه تجافی، از بالاترین مرتبه هستی (اسمای الهی) تا صورت لفظ نزول یافته، حبل و ریسمان آویخته الهی است و انسان مأمور به تمسک به آن شده تا عروج یابد و با فرمان «بخوان و بالابرو» مراتب کمال خود را در مراتب معنوی قرآن طی کند و حامل قرآن شود. از سوی دیگر، خدا مقام امامت و ولایت را برای هدایت انسان هم به شکل ارائه طریق و هم به شکل ایصال به مطلوب، از ازل تا ابد، در نظر گرفته است و هیچ‌گاه زمین را از حجت خود خالی نخواهد کرد. مقام امامت در هستی (نزولاً و صعوداً) دارای مراتب معنوی بی‌شماری است از بالاترین مرتبه اسمای الهی، یعنی اسم اعظم و مکنون، تا مقام نورانیت و حجاب‌های الهی و عقل و عرش و کرسی و لوح و قلم و آسمان‌ها گرفته تا اولین لحظات احتضار همه انسان‌ها و مرگ و ورود به عوالم و مراتب برزخ و حضور ویژه در صحرای محشر و حوض کوثر و مقام محمود و بهشت و مراتب آن. این مقام در همه اینها و بیش از آنچه گفته شد، حضور فعال دارد و به عبارتی تمام این مراتب، مراتب وجودی

او هستند. انسانی که قصد سلوک معنوی دارد، با توجه به فطرت توحیدی و علوی و ولایی که ظرفیت و استعداد انسانی را تشکیل می دهد، در مسیر ولایت و با سبک زندگی متعالی که همان ظهور توحید است، قدم می گذارد و با آن مراتب متحد می شود.

این انطباق در چهار لایه در سبک زندگی معنوی نقش می آفریند: ۱. مراقبه فعال؛ ۲. راهبری مستمر قرآن و معصوم در فرایند زیست و سلوک معنوی انسان؛ ۳. قبول تنوع سلوک به اقتضای وجود سبل و مراتب متنوع و ۴. اتحاد برنامه زندگی الهی در قالب تشریح با قوانین تکوینی یا همان کائنات.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تصحیح جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۳. استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق)، تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، تصحیح حسین استاد ولی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، تحقیق جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۵. چنی، دیوید (۱۳۸۲)، سبک زندگی، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت: اعلمی.
۷. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۳ش)، انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، تهران، الف لام میم
۸. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، تصحیح عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم: بیدار.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم . الدار الشامیه.
۱۰. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، تصحیح فیض الإسلام، قم: هجرت.
۱۱. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۷۶ش)، الأمالی، تهران: کتابچی.
۱۲. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۹۸ق)، التوحید، تصحیح سید هاشم حسینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد صلّی الله علیهم، تحقیق محسن کوجه باغی، قم: مکتبه آية الله المرعشي النجفی.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۲۸ق الف)، الإنسان و العقيدة، تحقیق صباح الربيعی و علی اسدی، قم: باقیات.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۲۸ق ب)، مجموعة رسائل العلامة الطباطبائي، تصحیح صباح ربيعی، قم: باقیات.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، الميزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۶ق)، نهاية الحکمه، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۹۹۹م)، الرسائل التوحيدية، بیروت: مؤسسه النعمان.

۲۰. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تصحیح محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.
۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیه.
۲۲. الفت، سعیده؛ سالمی، آزاده (۱۳۹۱)، «مفهوم سبک زندگی»، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال اول، شماره ۱.
۲۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم: انتشارات رضی.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۲۵. فعالی، محمدتقی (۱۳۹۷)، مبانی سبک زندگی اسلامی، قم: مؤسسه آل یاسین.
۲۶. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: مؤسسه دار الهجره.
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جابری، قم: دارالکتب.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۹. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد کاظم، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
۳۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۱. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تصحیح حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهازی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۳۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۳۸۳ش)، شرح أصول الکافی، تصحیح محمد خواجوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۴. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم شیرازی (بی تا)، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، قم: مکتبه المصطفوی.
۳۵. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۶)، دین و سبک زندگی مطالعه موردی شرکت کنندگان در جلسات مذهبی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.